



دکتر مرضیه محمدزاده

پیش گفتار

امام رضا(ع) پیوسته با قرآن مأنوس بود. آن را به دقت می خواند و در آیات آن تدبر می کرد و می اندیشید که درباره چه چیز و در چه وقت نازل شده است. گفتار، پاسخ و مثال های آن حضرت همه برگرفته از قرآن بود. امام قرآن را معیار سنجش حق و باطل و صحت و سقم احادیث می شمرد و می فرمود: «در قرآن همه چیز به تفضیل ذکر شده و حلال و حرام و حدود و احکام و همه آن چه برای هدایت بشر نیاز است، به تمام و کمال در آن بیان شده است». همچنین می فرمود: «قرآن کلام خداست. از آن فرا مگذرید و هدایت را در غیر قرآن جستجو نکنید که گمراه می شوید». او ضمن یاد کردن از قرآن و بزرگ شمردن آیات و اعجاز و نظم آن، قرآن را ریسمان استوار خدا و چنگ آویز مستحکم خدا و راه برگزیده او دانسته است که به بهشت رهنمون می کند و از دوزخ نجات می دهد. به مرور زمان ها کهنه نمی شود و به اختلاف زبان ها فاسد نمی گردد؛ زیرا مخصوص زمانی، غیر زمان های دیگر نیست، بلکه برهان و حجت بر هر انسانی است و از پیش روی و

از پشت سر باطل به سویش نمی آید. وحی نامه ای است از حکیمی ستوده صفات.
کلید واژه ها: امام رضا(ع)، قرآن، روایات.
در این مقاله رسالت تبیین قرآن از دیدگاه امام هشتم مورد بررسی قرار می گیرد و
تفسیر چند آیه نیز از زبان آن بزرگوار مطرح می گردد.

رسالت تبیین قرآن

قرآن در اندیشه، گفتار و کردار اهل بیت(ع) تجسم و عینیت تمام یافته است و سیره کریمانه و سخن حکیمانه آنان، مستقیم یا غیر مستقیم تبیین گر کتاب الهی در ابعاد گوناگون است. رسول اکرم(ص) اسلام را استوار ساخت و رسالت تبیین قرآن را به نیکوترین شیوه به انجام رساند و در گفتار و کردار، آئینه تمام نمای قرآن بود. پس از او علی بن ابی طالب(ع) پرورش یافته دامان پیامبر(ص) و آئینه تمام نمای او بود که سر سلسله وارثان قرآن می باشد. کسی که همیشه با حق و حق همیشه با اوست. باب حکمت و دروازه شهر علم پیامبر، آن که پیامبر رسالت تبیین گری خود را به او تفویض کرد و فرمود: «لأنت لأمتی ما اختلفوا فیه بعدی»^۱ این میراث در میان خاندان نبوت(ع) دست به دست گشت تا به هشتمین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت رسید و آن امام، وارث کتاب الهی و تبیین گر راستین قرآن شد. دوران حیات پر بار امام رضا(ع) عصر شکوفایی علم و دانش بود. بخش عمده ای از گفتار و سیره امام(ع) به شکل مستقیم یا غیر مستقیم به شرح، تبیین و عینیت بخشیدن کتاب خدا اختصاص دارد. آن چه از ایشان در ابواب مختلف فقه یاد شده به گونه ای تبیین و تفصیل آیات الاحکام و اوامر و نواهی الهی است؛ یا آن چه درباره توحید، نبوت، امامت، معاد، ایمان و کفر و دیگر مسائل اعتقادی برجای مانده است، شرح و بسط معارف اعتقادی قرآن است. اندرزها، آداب و اخلاق کریمانه امام رضا(ع) حکایت گر آیه های قرآن است. کوتاه سخن این که قرآن در اندیشه، گفتار و کردار امام رضا(ع) تجسم و عینیت تمام یافته است.

روایات امام(ع) در باب اهمیت قرآن

۱. ریّان بن صلت از حضرت پرسید: نظر شما درباره قرآن چیست؟ امام(ع) فرمود: «کلام الله لا تتجاوزوه و لا تطلبوا الهدی فی غیره فتضلّوا»؛^۲ قرآن کلام خداست، از آن چه او گفته است، فراتر نروید و هدایت را در غیر او نجوید که گمراه می شوید.

این سخن امام(ع) قول فصلی است که روشن می سازد، «هدایت» و «راه سعادت» در تمسک به آموزه ها و داده های قرآن است و پیشی گرفتن بر آن و پس ماندن از آن، گمراهی است؛ چرا که قرآن کلام خدا و حقّ خالص است: «فماذا بعد الحقّ إلا الضلال» (یونس، ۱۰/۳۲)؛ و بعد از بیان این راه حق، چه باشد غیر گمراهی.

۲. محمد بن موسی رازی از پدرش روایت کرده که یکی از روزها در محضر حضرت رضا(ع)، سخن از قرآن به میان آمد، امام(ع) از حجت ها و آیه بودن و اعجاز نظم آن به بزرگی یاد کرد و فرمود:

«قرآن ریسمان محکم، دستاویز استوار و آیین برتر خدا در میان بندگان است. به سوی بهشت راهبری می کند و از دوزخ رهایی می بخشد. در اثر گذشت زمان، کهنه نشده و با تکرار بر زبانها از ارزش و اثر بخشی آن کاسته نمی شود؛ زیرا خداوند، آن را برای زمان خاصی قرار نداده است، بلکه حجت و برهان برای همه انسان ها در سراسر زندگیشان است و نه از پیش رو و نه از پس، باطل به آن وارد نخواهد شد. فرود آمده ای از سوی خداوند حکیم و ستوده است».^۳

امام(ع) قرآن را برترین آیین و همیشه در صحنه معرفی می کند که پاسخ گوی همه دوره ها و همه اشخاص است؛ بنابراین، تفسیر پذیر و فهم پذیر است و منحصر به عنصر نزول و فرهنگ زمان خود نیست و هیچ عذری وجود ندارد که آن را از کارآمدی و عرصه بهره مندی و اندیشه ورزی مسلمانان خارج کند.

در پاسخ شخص دیگری که می پرسد، چرا قرآن با وجود گسترش روزافزون و قرائت و بررسی های فراوان، روز به روز بر طراوت و تازگی اش افزوده می شود؟ امام(ع) این سخن را تکرار و بر آن تأکید می ورزد که قرآن برای زمان و مردمان خاصی نازل نشده، بلکه در هر زمان و برای هر گروه، تازه است، گویا از نو نازل شده است.^۴

فزون بر آن چه یاد شد، بیان امام(ع) خطی کلی و مهم را در قرآن شناسی و تفسیر قرآن ارائه می دهد که باید قرآن را فرا زمانی و فرامکانی و فراقومی شناخت و به تفسیر و تطبیق آن با توجه به شرایط و نیازهای عصر پرداخت.

۳. در حدیث امامت که از آن حضرت صادر شده آمده است، می فرماید: خداوند زمانی پیامبرش را به سوی خود فرا خواند که دین او را کامل و بر او قرآن را نازل کرد، کتابی که روشن گر همه چیز است و حلال و حرام و حدود و احکام و هر آن چه مردم بدان نیازمندند، در آن به طور کامل بیان شده است. خداوند می فرماید: «ما فرطنا فی الكتاب من شیء» (انعام، ۳۸/۶)؛ ما هیچ چیز را در کتاب فروگذار نکردیم.

۴. روایت هایی از حضرت رضا(ع) درباره شفا بخشی و امان بخشی قرآن وارد شده است، از جمله در کتاب «مکارم الاخلاق» آمده است که آن حضرت فرمود: هنگامی که از امری خوف داشتی، صد آیه از قرآن را به انتخاب خودت بخوان، پس سه مرتبه بگو: «اللهم اکشف عنی البلاء»؛ پروردگارا، این بلا را از من بازگردان.^۵

۵. نمونه هایی از سخنان آن حضرت، درباره فضیلت برخی آیه ها و سوره هاست. از جمله آنکه فرمود: «بسم الله الرحمن الرحيم» به اسم اعظم الهی از سیاهی چشم به سفیدی آن نزدیک تر است.^۷

روایات امام(ع) در باب علوم قرآن

ترتیب نزول: امام رضا(ع) فرمود: از پدرم شنیدم که از پدرش(ع) حکایت می کرد که نخستین سوره ای که نازل شد «بسم الله الرحمن الرحيم اقرأ باسم ربك» (علق، ۱/۹۶) و آخرین سوره ای که نازل شد «إذا جاء نصر الله و الفتح» (نصر، ۱/۱۱۰) بود.

محکم و متشابه: امام رضا(ع) فرمود: هر کس متشابه قرآن را به محکمش بازگرداند، به راه راست راهبری می شود. سپس فرمود: در اخبار ما نیز متشابهاتی همانند متشابهات قرآن و محکماتی همانند محکمات آن وجود دارد. پس متشابهات آن را به محکماتش ارجاع دهید و از مشابه آن بدون در نظر گرفتن محکم، پیروی نکنید که گمراه می شوید.^۷

۳. نظم و اعجاز قرآن: امام(ع) همواره نظم و اعجاز قرآن را با اهمیت دانسته و از آن به عظمت یاد می کند.

۴. شأن نزول: از امام رضا(ع) روایت‌هایی در شأن نزول برخی از آیه‌ها و سوره‌ها وارد شده است. به عنوان نمونه آن حضرت از پدرانش نقل می‌کند که آیه «الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً» در باره علی(ع) نازل شده است.^۸ در تفسیر سوره «واللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى» حضرت می‌فرمایند: این سوره درباره ابودحداح است که درخت خرماي شخصی بخیل را که در خانه مرد انصاری بود و موجب اذیت او می‌شد، در عوض خانه‌اش خرید و به آن مرد انصاری واگذار کرد.^۹

شأن نزول بسیاری از آیات در بخش‌های قبل بررسی شده است. عصر امام رضا(ع)، عصر فرقه‌ها و مذاهب گوناگون کلامی است. بعضی از فرقه‌ها با تفاسیر نادرست متشابهات قرآن و انحراف‌های عقیدتی بسیاری ایجاد کردند. امام رضا(ع) در ردّ انحراف‌ها و برداشت‌های نادرست از قرآن و تبیین صحیح متشابهات اعتقادی نقش به‌سزایی داشت و در فرصت‌های مناسب رسالت خویش را در تبیین قرآن و منزّه ساختن خداوند از وهم‌های بشری به خوبی ایفا می‌کرد.

تنزیه پیامبران و تبیین متشابهات قصص انبیاء

پاکی و عصمت انبیاء به گونه‌ای اجمالی و کلی مورد اتفاق تمامی فرق مسلمان است، اما در چگونگی و حدود آن اختلاف وجود دارد. مکتب اهل بیت تمامی پیامبران الهی را چه پیش از نبوت و چه پس از آن از تمامی گناهان مبرا و منزّه می‌داند و معتقد است آنان در انجام رسالت خود مرتکب هیچ‌گونه سهو و اشتباهی نیز نشده‌اند.

امام در باب عصمت انبیا با مأمون عباسی مناظره‌ای داشته است:
در یکی از نشست‌های مأمون با امام رضا(ع)، مأمون از آن حضرت پرسید: ای فرزند پیامبر خدا(ص) آیا این سخن شما نیست که پیامبران معصومند؟
امام(ع) فرمود: آری.

مأمون عرض کرد: معنای قول خدای متعال [در آیه «و عصی آدم ربّه فغوی» (طه، ۲۰/ ۱۲۱)؛ آدم پروردگارش را نافرمانی کرد پس بی بهره شد] چیست؟

امام(ع) آیه را این گونه تفسیر و توجیه می‌فرماید که خداوند آدم و حوا را تنها از نزدیک شدن به درخت مورد نظر نهی فرموده و از خوردن میوه آن درخت و آن چه از جنس آن

باشد، منع نفرموده است. آدم و حوا نیز در خودداری از نزدیک شدن به آن درخت، امر الهی را امتثال کردند، لیکن شیطان حقیقت را بر آن‌ها مشتبه ساخت و از آن‌ها خواست که از میوه درخت دیگری که از جنس درخت مورد نهی بود، تناول کنند، و برای آن‌ها سوگند خورد که خداوند آنان را از خوردن هر میوه‌ای که با ثمره آن درخت هم جنس باشد، نهی نفرموده است و او خیرخواه آنهاست. آدم و حوا به سوگند او اطمینان کردند و از میوه درخت دیگری که با او هم جنس بود، خوردند و این عمل پیش از آن بود که آدم به پیامبری برگزیده شود و به دنیا هیبوط کند و آن چه را مرتکب شده بود، گناه کبیره‌ای نبود که به سبب آن مستوجب آتش دوزخ شود، بلکه ترک اولی بود که برای پیامبران، پیش از بعثت آنان جایز و بخشوده است. و هنگامی که آدم را خداوند به پیامبری برگزید، معصوم بود و روا نبود که هیچ‌گونه گناهی، چه صغیره و چه کبیره از او سرزند. چنان که خداوند عز و جل در این باره فرمود: «و عصی آدم ربّه فغوی ثمّ اجتباہ ربّه فتاب علیہ وهدی» (طه، ۲۰/۱۲۱)؛ آدم پروردگارش را نافرمانی کرد، پس بی بهره شد. سپس خداوند توبه او را پذیرفت و هدایتش فرمود و او را به پیامبری برگزید.

امام (ع) در پاسخ به علی بن محمد بن جهم در مورد این آیه فرمود: که این نافرمانی در بهشت صورت گرفته است نه در روی زمین که آدم خلیفه خدا بر روی زمین است. بهشت جای تکلیف نبود تا عصیان در برابر تکلیف صدق کند، بلکه زمین جای تکلیف است و بین دو جواب امام (ع) هم منافاتی وجود ندارد.

و در جای دیگری می‌فرماید: «انّ الله اصطفی آدم و نوحا و آل ابراهیم و آل عمران علی العالمین» (آل عمران، ۳/۳۳)؛ خداوند، آدم، نوح، آل ابراهیم و آل عمران را بر عالمیان برگزید. مأمون از آن حضرت درباره ابراهیم خلیل (ع) و عبور او از مرحله شک پرسید. چنان که ظاهر قرآن در جایی که از ابراهیم (ع) سخن می‌گوید، اشاره می‌کند که پس از آن حق بر او آشکار شد و بدان ایمان آورد. ۱۰

می‌فرماید: «فلما جنّ علیہ اللیل رءا کوکبا قال هذا ربّی...» (انعام، ۶/۷۹-۷۶) چون شب تار نمودار شد، ستاره درخشانی دید گفت: این پروردگار من است. چون آن ستاره غروب کرد گفت: من چیزی را که نابود گردد به خدایی نخواهم گرفت.

پس چون ماه تابان را دید گفت: این خدای من است. وقتی آن هم نابود گردید، گفت: اگر خدای من مرا هدایت نکند همانا از گروه گمراهان خواهم بود. پس از آن، خورشید درخشان را دید و گفت: این پروردگار من است. این بزرگ‌تر است. و چون غروب کرد گفت: ای قوم از آن چه شما آن را شریک خدا قرار می‌دهید من بیزارم، من خالصانه روی به سوی خدایی آوردم که آسمان‌ها و زمین را آفریده و من از مشرکان نیستم.

امام (ع) پاسخ می‌دهد: ابراهیم (ع) در وادی شک به خدا گام نهاده است و او در زمانی می‌زیسته که سه گونه پرستش وجود داشته است، پرستش زهره (ستاره)، پرستش ماه و پرستش خورشید. گرایش مرحله به مرحله ابراهیم (ع) به این مذاهب، پیش از آن که ایمان خود را به خداوند آشکار کند، به طور ظاهری و برای کسب آگاهی و رد انکار آن‌ها بوده تا از این طریق فساد عقیده هر کدام را برای دیگری آشکار سازد، نه این که در هر مرحله اعتقاد آن‌ها را پذیرفته و به آن مذهب ایمان واقعی پیدا کرده باشد، بلکه او می‌خواست است از طریق استدلال عینی با روحی که سرشار از ایمان به خدا بوده، فساد آن چه را که مردم زمانش به صورت دین و عقیده بدان پایبند بودند، به آن‌ها ثابت کند که زهره و ماه و خورشید و امثال این‌ها که در معرض دگرگونی و تغییر و دست‌خوش طلوع و افولند، شایستگی پرستش را ندارند، زیرا اینها صفات مخلوقات است و امام (ع) به سخن خود این گونه ادامه می‌دهد که این رفتار و گفتار ابراهیم خلیل به دلیل قول خداوند متعال در قرآن مجید که: «و تلک حجّتنا ایتناها ابراهیم علی قومہ» (انعام، ۸۳/۶)؛ این‌ها دلایل ما بود که به ابراهیم در برابر قومش دادیم.

یعنی این شیوه استدلال به الهام پروردگار متعال بوده است، بنابراین آن چه از او وقوع یافته است، صرف استدلال بر گفتار خویش درباره بطلان عبادات آن‌ها و پرستش خدایانی جز خداوند یگانه می‌باشد و این روش استدلال، از شیوه‌های جالب قرآن در زمینه دعوت به ایمان است. ^{۱۱} مأمون از امام (ع) درباره قول خداوند متعال که: «حتّٰی اذا استیأس الرّسل و ظنّوا أنّهم قد کذبوا جائهم نصرنا» (یوسف، ۱۲/۱۱۰)؛ تا آنجا که رسولان مأیوس شده و گمان کردند که وعده نصرت خدا خلاف خواهد شد، در آن حال وقت یاری ما فرارسید. سؤال کرد:

شبهه‌ای که در برابر این آیه وجود دارد، نسبت یأس به پیامبران است، که پس از آن که خداوند به آن‌ها وعده یاری و پیروزی داده از نرسیدن آن دچار نومیدی شده‌اند در حالی که مایوس شدن از خدا کفر است. چنان که فرموده است: «ولا تيأسوا من روح الله إنه لا ييأس من روح الله إلا القوم الكافرون» (یوسف، ۸۷/۱۲)؛ و از رحمت خدا ناامید نشوید که از رحمت خداوند جز کافران ناامید نمی‌شوند. به راستی چگونه ممکن است بر قلب رسول یا نبی یأس و نومیدی از خدا دست دهد، در حالی که به مقتضای آیه شریفه‌ای که ذکر شد این گناه جز از دل کافر بر نمی‌خیزد، و چه گناهی بزرگتر از کفر به خداست؟ و طبق صریح آیه زمان یأس پس از بعثت آنان به پیامبری و نزول وحی به آن‌ها بوده است.

امام (ع) پاسخ می‌دهد که یأس در آیه شریفه به نصر پروردگار که به پیامبران وعده داده شده است، متعلق نیست. بلکه مربوط به نومیدی از ایمان آوردن مردم است و آن‌ها فرستادگان خدا به سوی مردمند، تا آن‌ها را دعوت کنند که به خدا ایمان آورند و از پرستش خدایانی جز خدای یگانه و کفر و نافرمانی او بازگردند، بنابراین تفسیر آیه چنین است: پس از آن که پیامبران از ایمان آوردن قوم خود نومید شدند و آن قوم پنداشتند به پیامبران دروغ گفته شده است، یاری ما به آنان فرارسید. ۱۲

و با این بیان امام (ع) شبهه‌ای که از ظاهر آیه به نظر می‌رسید، برطرف شد.

امام (ع) با این گونه تفاسیر جالب از آیات کریمه قرآن که گاهی موجب توهم ظهور آیه در مضمونی است که درست عکس مفاد حقیقی آن است، غبار شک و شبهه را که احیاناً موضوع عصمت پیامبران را نیز با تردید همراه ساخته، برطرف می‌فرماید، و باید دانست که بیانات امام (ع) صرف توجیه و تأویل نیست، بلکه حقایقی است که جز به آن‌ها نمی‌توان ملتزم بود.

مأمون از آیه «فوكزه موسى فقضى عليه قال هذا من عمل الشيطان» (قصص، ۱۵/۲۸)؛ موسی مشتی به او زد و او را کشت، گفت این از کار شیطان است. از امام (ع) سؤال کرد. حضرت فرمودند: موسی به یکی از شهرهای تحت حکومت فرعون وارد شد، در حالی که بی اطلاع از ورود او بودند، و این ورود بین مغرب و عشاء رخ داد. در آن هنگام دید دو مرد با هم زد و خورد می‌کنند، یکی از بنی اسرائیل و دیگری از دشمنان بود، آن که هم گروه و هم مسلک موسی بود، از موسی بر علیه دیگری که دشمن بود، کمک خواست. موسی (ع) هم به حکم

خدا درباره دشمن حکم کرد و با مشت او را زد و او مرد و موسی پس از این کار گفت: این عمل کار شیطان است، منظورش درگیری بود که بین آن دو مرد رخ داده بود. نه کشتن آن مرد توسط موسی. او (یعنی شیطان) دشمنی گمراه کننده و آشکار است.

مأمون گفت: پس معنی این گفته موسی چیست؟ «ربّ ائی ظلمت نفسی فاغفرلی» (قصص، ۱۶/۲۸)؛ خداوندا! من به خود ظلم کردم، مرا بیامرزش. حضرت فرمود: منظورش این است که من با وارد شدن به این شهر، خود را در شرایطی قرار دادم که نمی بایست در آن شرایط قرار می دادم. «فاغفرلی»؛^{۱۳} مرا از دشمنانت مخفی بدار تا به من دست نیابند و مرا نکشند. خداوند نیز او را آمرزید و یا طبق آن چه آمده او را مخفی کرد. زیرا که او سترکننده و آمرزنده و مهربان است.

موسی گفت: خداوندا به شکرانه این نعمت، یعنی بازویی که به من دادی، به گونه ای که با یک مشت مردی را از پای درآوردم، هرگز کمک کار مجرمین نخواهم بود. بلکه با این نیرو در راه تو مجاهده خواهم کرد تا تو راضی شوی.

فردا صبح موسی در شهر ترسان و مراقب بود که دید دوباره همان کسی که دیروز او را به یاری طلبیده بود، بر علیه شخص دیگری از او کمک می خواهد. موسی فرمود: تو واقعا آدم اهل شری هستی. دیروز با یکی نزاع می کردی و امروز با دیگری! ادبت خواهم کرد و خواست او را بزند که گفت: ای موسی همان طور که دیروز یک نفر را کشتی، می خواهی مرا هم بکشی، تو می خواهی جبار باشی و در صدد آن نیستی که جز مصلحین باشی!^{۱۴} مأمون آیات دیگری را هم مطرح کرد و امام(ع) به همه آن ها پاسخ فرمود. پاسخ های امام(ع) او را قانع ساخت. مأمون گفت: خداوند تو را جزای خیر دهد که اشتباهات مرا برطرف کردی.

رفع شبهات مردم از آیات قرآن

مردم نیاز داشتند که ظواهر آیات الهی، شرح و تفسیر شود و امام رضا(ع) با آوردن جملات چند در ذیل آیات الهی به معنا کردن واژگان، اصطلاحات و عبارات های قرآن و بیان مقصود خداوند می پرداخت. برای مثال:

۱. حضرت رضا(ع) از امام صادق(ع) نقل می کند که آن حضرت درباره «اهدنا الصراط المستقیم» (حمد، ۶/۱) فرمود: «ارشدنا الی الطریق المستقیم»، ما را به راه راست رهنمون باش

تا پایبند و ملازم طریقی باشیم که به حجت تو منتهی می شود، و به دین تو می رسد و ما را از پیروی هوا و اخذ به رأی خود که منجر به هلاکت و تباهی می شود باز می دارد. ۱۵ امام (ع) صراط مستقیم را راهی می داند که در مسیر حجت خدا باشد.

۲. امام هشتم (ع) از پدارنش از امام علی (ع) درباره «اَكَالُونَ لِلسَّحْتِ» (مائده، ۴۲/۵)؛ آنان خورندگان مال حرامند. روایت می کند: مقصود از حرام خوار و رشوه خوار کسی است که برای برادر مؤمنش کاری انجام می دهد و سپس هدیه او را می پذیرد. ۱۶

۳. امام علی بن موسی الرضا (ع) درباره «فاصفح الصّفح الجمیل» (حجر، ۸۵/۱۵)؛ اکنون از این منکران نیکو درگذر. فرمود: صفح جمیل، گذشتی است که در او مؤاخذه و عتاب نباشد. ۱۷

۴. درباره «خذوا زیتکم عند کلّ مسجد» (اعراف، ۳۱/۷) از امام رضا (ع) روایت شده که فرمود: زینت یعنی لباس؛ بنابراین، معنای آیه این می شود که هنگام نماز و حضور در مساجد، لباس های نیکو و زینتی خود را بپوشید. ۱۸

۵. ابراهیم (ع) از خداوند در خواست کرد که چگونه زنده کردن مردگان را به وی نشان دهد. خداوند می فرماید «اولم تؤمن»؛ مگر ایمان نیاورده ای؟ ابراهیم پاسخ می دهد: «بلی و لکن لیطمئن قلبی» (بقره، ۲۶۰/۲)؛ چرا ولی می خواهم تا دلم آرامش یابد. برای صفوان بن یحیی شبه ای پیش آمده بود که آیا ابراهیم شک داشت که می خواست اطمینان یابد و از امام هشتم (ع) پرسید: آیا در قلب ابراهیم شکّی وجود داشت؟ امام (ع) می فرماید: خیر، وی یقین داشت، اما از خداوند خواست تا یقینش افزوده شود. ۱۹

۶. از حضرت رضا (ع) درباره «وما یؤمن اکثرهم باللّه و هم مشرکون» (یوسف، ۱۰۶/۱۲)؛ و بیشترشان به خدا ایمان نمی آوردند، جز اینکه همچنان مشرکند پرسیده شد. فرمود: مقصود شرکی است که به حد کفر نمی رسد. ۲۰

تعیین مصداق و تطبیق آیه

برخی مفاهیم در قرآن کریم با عنوان کلی آمده و نیازمند تعیین مصداق است. از سویی هم فرازمانی و هم فراقومی است که در همهٔ زمان‌ها آیات آن تطبیق پذیر بوده است. امام رضا(ع) آیات فراوانی از قرآن را بر اهل بیت(ع) تطبیق داده است. که گاهی آنان مصداق مخصوص، گاه مصداق برجسته و کامل آیه اند برای مثال:

۱. در ذیل آیه «شهد الله أنه لا إله إلا هو والملائكة وأولو العلم قائما بالقسط» (آل عمران، ۱۸/۳)؛ خداوند گواهی می‌دهد که جز او معبودی نیست و فرشتگان و دانشوران [نیز گواهی می‌دهند]... امام هشتم(ع) فرمود: «هو الإمام»^{۲۱}

یعنی امام معصوم(ع) تمام‌ترین و کامل‌ترین مصداق أولو العلم است؛ زیرا دانش آنان برگرفته از دانش خدا و رسول اوست و آنان به سرچشمهٔ علم و معرفت، دسترسی دارند و دیگران از فیض وجودشان به معرفت صحیح و کامل دست می‌یابند.

۲. سلیمان جعفری می‌گوید: از ابوالحسن الرضا(ع) شنیدم که دربارهٔ «وقولوا حطة نغفر لكم خطاياكم» (بقره، ۱۵۸/۲)؛ سجده کنان از در درآید و بگوئید: خداوند گناهان ما را بریز، تا خطاهای شما را ببخشایم. از امام باقر(ع) بازگو فرمود: «نحن باب حطتكم»^{۲۲}

یعنی همان‌گونه که بنی اسرائیل، مؤظف شدند که از دروازهٔ شهر درآیند و از خداوند بخواهند که گناهانشان را بریزد، اهل بیت(ع)، باب آمرزش و ریزش گناه مسلمانانند که هر کس به طریق آنان درآید و از راه آنان، خداوند را بخواند و به او توسل بجوید، خداوند او را می‌آمرزد؛ پس این آیه که در سرگذشت بنی اسرائیل است، در امت اسلامی نیز تأویل و تطبیق دارد و اهل بیت(ع) تأویل آن‌اند.

امام رضا(ع) فرمود: زمانی که به شما سختی ای برسد، به واسطهٔ ما از خداوند کمک بخواهید و این همان فرمودهٔ اوست: «ولله الأسماء الحسنى فادعوه بها» (اعراف، ۱۸۰/۷)؛ خدا را نام‌هایی است نیکو، بخوانید خدا را به آن نام‌ها. حضرت در ادامه فرمود: به خدا سوگند، ماییم اسمای حسنی الهی که هیچ کس جز به شناخت ما پذیرفته نمی‌شود.^{۲۳}

علامه طباطبایی پس از بحث مفصلی دربارهٔ اسماء الحسنى و شمارش آن‌ها بر اساس روایات، در ذیل این دو حدیث می‌نگارد: در این جا اسم به معنای مطلق نشانه و آن چه بر

چیزی دلالت می کند اخذ شده است. خواه لفظ باشد یا غیر لفظ؛ بنابراین پیامبران و اوصیای آنان^(ع) نشانه هایی هستند که بر پروردگار دلالت می کنند و واسطه میان او و خلق اند. از سوی دیگر، آنان در بندگی به درجه ای رسیده اند که چیزی جز خداوند سبحان برایشان مطرح نیست، پس آشکارکننده اسماء و صفات اویند.^{۲۴}

۳. درباره «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین» (توبه، ۱۱۹/۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا پروا کنید، و با راستگویان باشید. از امام^(ع) پرسیده شد، فرمود: مقصود از صادقان، امامان اند.^{۲۵}

۴. آیه «قل کفی بالله شهیدا بینی و بینکم و من عنده علم الكتاب» مقصود از «من عنده علم الكتاب» علی^(ع) است.

استناد به قرآن

امام رضا^(ع) در بسیاری از موارد در ضمن یا ادامه سخن خود، آیه های قرآن را به قرآن کریم مستند می کرد، و گاه در تأیید سیره خویش، از قرآن شاهد می آورد. امام^(ع) در حدیث معروف امامت به ۲۳ آیه از قرآن مجید به طور صریح اشاره می کند. و شاء روایت می کند: از آن حضرت پرسیدم: فدایت شوم، در باره «فاسألوا أهل الذکر إن کنتم لا تعلمون» اگر نمی دانید از اهل ذکر سؤال کنید. چه می فرمائید؟ امام رضا^(ع) فرمود: ما اهل ذکر هستیم. از ما سؤال کنید.^{۲۶}

تفسیر قرآن به قرآن

این نوع تفسیر بهترین شیوه تفسیر است. عالمان گفته اند: هرکس می خواهد تفسیر قرآن بیاموزد، نخست باید از قرآن بجوید؛ چه آن چه از آن خلاصه آمده، در مکانی دیگر گشوده شده است و آن چه از آن فشرده آمده، در جایی دیگر بسط داده شده است.^{۲۷} علامه طباطبایی در مقدمه «المیزان» پس از نقد روش های گوناگون تفسیر و انتخاب روش تفسیر قرآن به قرآن، آن را شیوه آموزگاران قرآن، ائمه هدی^(ع) در آموزش و تفسیر قرآن می داند.^{۲۸}

نمونه های تفسیر قرآن به قرآن در سخنان امام رضا^(ع) فراوان است. شخصی از امام^(ع)

در باره فرموده خداوند «نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ» (توبه، ۹/۶۷)؛ چون خداوند را فراموش کردند، خدا نیز آن‌ها را فراموش کرد. پرسید، امام (ع) فرمود: خداوند تبارک و تعالی، نه فراموش می‌کند، نه غفلتی بر او عارض می‌شود و تنها، مخلوقی که آفریده شده است، دچار سهو و نسیان می‌شود؛ مگر نشنیده‌ای که خداوند عزوجل می‌فرماید: «وَمَا كَانَ رَبِّكَ نَسِيًّا» (مریم، ۱۹/۶۴)؛ و پروردگار تو فراموش‌کار نیست. البته او، کسی را که فراموشش کند و روز ملاقات با او را از یاد ببرد، مجازات می‌کند. به این صورت که آنان را از یاد خویشتن غافل می‌کند، همان‌گونه که فرموده است: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (حشر، ۵۹/۱۹)؛ و شما مؤمنان مانند آنان نباشید که خدا را فراموش کردند، خدا هم نفوس آنان را از یادشان برد، آنان بدکاران عالمند و نیز فرموده است: «فَالْيَوْمَ نَسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا» (اعراف، ۷/۵۱)؛ امروز ما هم آنان را در نظر نمی‌آوریم، چنان‌که آنان چنین روزی را به خاطر نیاوردند. یعنی آن‌ها را رها می‌کنیم، هم چنان‌که آنان آمادگی چنین روزی را کسب نکردند. ۲۹

امام (ع) در ذیل آیه «فَأَذِّنْ مَوْذِنًا بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ» (اعراف، ۷/۴۴)؛ پس آواز دهنده‌ای میان آنان آواز می‌دهد که لعنت خدا بر ستمکاران باد، فرمود: آن مؤذن امیرالمؤمنین (ع) است و در قیامت به گونه‌ای اعلام می‌نماید که تمام خلایق می‌شنوند و دلیل این مسأله، گفته دیگر خداوند در سوره براءت است که می‌فرماید: «وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ» (توبه، ۹/۳)؛ و در بزرگترین روز حج خدا و رسولش به مردم اعلام می‌دارند. امیر المؤمنین (ع) فرمود: من آن اذان میان مردم بودم. ۳۰

این مسأله که امام علی (ع) سوره توبه را در میان مردم خواندند و پیام براءت خداوند را از مشرکان اعلام نمودند، مورد اتفاق مسلمانان است.

تبیین احکام در پرتو قرآن

امام (ع) که خود منبع و مرجع تبیین احکام دین است در بسیاری موارد، نظر خود را در بیان احکام به قرآن کریم مستند کرده‌اند. روایت‌های امام هشتم (ع) در آیات الاحکام و فقه القرآن فراوان است. اکنون نمونه‌ای در اینجا می‌آوریم:

ابوالقاسم فارسی گوید: به امام رضا (ع) عرض کردم: خداوند در کتابش می‌فرماید:

«فإمساك بمعروف أو تسريح بإحسان» (بقره، ۲/۲۲۹)؛ طلاق دوبار است و پس از آن باید زن را به خوبی نگاه داشت یا به شایستگی آزاد کرد. مقصود از آن چیست؟ امام(ع) فرمود: «إمساك بمعروف» نگه داشتن به خوبی؛ یعنی آزار ندادن همسر و پرداخت نفقه او و اما «تسريح بإحسان» به شایستگی رها کردن یعنی طلاق دادن طبق آن چه خدا مقرر فرموده است.^{۳۱}

تفسیر امام(ع) از چند آیه

تفسیر در لغت به معنی ایضاح و تبیین است و از این باب است گفته خداوند «ولا یأتونک بمثل الا جئناک بالحقّ واحسن تفسیرا» (فرقان، ۲۵/۳۳)؛ و هیچ مثلی از داستان سرایی‌ها برای تو نمی‌آورند، مگر آن که ما برای تو (ای محمد(ص)) آوردیم در برابر آن به آن چه حق است، با بیان روشن‌تری که بهتر از آن، محتوای عالی و ارزنده را واضح و روشن می‌کند. در قاموس تفسیر به معنی آشکار کردن و پرده برداری از پوشیده است. در لسان العرب تفسیر کشف مراد و مقصود گوینده است از لفظ مشکل.^{۳۲} اما در اصطلاح تفسیر قرآن همان علم فهم قرآن است. شیخ طوسی مراد از تفسیر قرآن را دانستن معانی و مقاصد آن و اغراض گوناگون آن می‌داند.^{۳۳} پس تفسیر قرآن، علمی است که کتاب منزل بر پیامبر اسلام، با آن فهمیده می‌شود. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان گوید: تفسیر بیان معانی آیات قرآنی است و کشف از موالیل آن‌ها.

بر طبق مذهب اثناعشریه علم تفسیر با تفسیر قرآن، همان تفهیم مراد الله است از قرآن مجید در حد مستطاع بشر، مستند به قواعد لسان العرب و اسلوب آن، غیر معارض با کتاب و سنت و اجماع.

اولین مفسر و بیان‌کننده قرآن مجید، خداوند متعال است و دومین مفسر قرآن شخص رسول الله(ص) است و سومین مفسر خود قرآن است. چنان که در خبر آمده: «القران یفسر بعضه بعضا» بعضی از قرآن بعضی دیگر آن را تفسیر می‌کند. و چهارمین مفسر قرآن اهل بیت عصمت(ع) می‌باشند.

اولین مکتب آغازگر تفسیر قرآن، مکتب اهل بیت(ع) می‌باشد و امتیازش انتساب به رسول الله(ص) و منزّه بودن از هرگونه آراء منحرف است. رسول خدا(ص) فرمود: من به زودی از میان شما می‌روم، هر آینه در میان شما دو امانت سنگین و با ارزش باقی می‌گذارم؛ کتاب

خداوند و عترت خود را و این‌ها از هم جدا نخواهند شد تا در پای حوض به من برسند. پس معلوم است که هم شأن قرآن چیزی جز تفسیر قرآن و نمونه بودن برای عمل به قرآن نیست و بر اساس آثار وارده این دو امتیاز در اهل بیت (ع) جمع می‌باشد.

روش امام رضا (ع) در فهم آیات قرآن بر عرف عام تکیه می‌کند و از تأویلات دور از ذهن و نامتناسب با سیاق عام و خاص آیات، دوری می‌فرماید. البته باید توجه داشت که مراد و معانی آیات قرآنی بر آن چه حروف و الفاظ آن‌ها دلالت دارد، منحصر نیست و باید امور و نکات دیگری در نظر گرفته شود که از نظر ما پوشیده و لازم است برای دانستن آن‌ها به کسانی که تأویل قرآن را می‌دانند، مراجعه شود و اینان پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) هستند، که مصداق قول حق تعالی در آیه شریفه: «و ما يعلم تأویله الا الله و الراسخون فی العلم» (آل عمران، ۷/۳)؛ و تأویل آن را کسی جز خدا و راسخان در علم نمی‌داند.

تفسیر اهل بیت (ع) دارای ویژگی آشکاری است. اهل بیت (ع) بسیاری از آیات را به وجود خودشان تفسیر می‌کنند و یا به دلالت و دوستی آن‌ها و آن چه مربوط به آنان است، برگشت می‌دهند؛ و به این خاطر است که تطبیق مفاد آیه بر کامل‌ترین فردی می‌باشد که به آنان و آن چه تعلق به آنان دارد، برمی‌گردد. یعنی تطبیق مفهوم نص بر بارزترین مصادیق آن. البته امام رضا (ع) کتابی در تفسیر ندارد و فقط تفسیر آیاتی را در پاسخ درخواست کنندگان بیان فرموده‌اند.

روایت شده روزی مأمون از امام (ع) تفسیر بعضی آیات را پرسید از آن جمله:

آیه اول

«و هو الَّذی خلق السموات و الأرض فی ستة ایام و کان عرشه علی الماء لیبلوکم اَیکم أحسن عملاً» (هود، ۷/۱۱)؛ و اوست که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید و عرش او بر آب قرار گرفت تا شما را آزمایش کند که کدام یک از شما عملتان بهتر است.

امام (ع) فرمود: خداوند تبارک و تعالی عرش و آب و فرشتگان را پیش از آفرینش آسمان‌ها و زمین آفرید، و در این هنگام فرشتگان از وجود خود و عرش و آب بر هستی خداوند متعال استدلال می‌کردند، سپس عرش را بر آب قرار داد، تا قدرت خود را بر فرشتگان آشکار کند و بدانند که او بر همه چیز تواناست، پس از آن، با قدرت خویش عرش را از

جای خود انتقال داد و آن را بالا برد و زیر آسمان های هفت گانه قرار داد . سپس آسمانها و زمین را در شش روز بیافرید، و او در این هنگام بر عرش خود چیره بود و می توانست آن ها را در یک چشم به هم زدن بیافریند، اما آن ها را در شش روز آفرید که به فرشتگان آفرینش تدریجی برخی از آفریدگان را بنمایاند، تا به حدوث آن چه یکی پس از دیگری حادث می شود بر خدا استدلال کنند، و نیز خداوند عرش را به سبب این که بدان نیاز داشت، نیافرید؛ زیرا او بی نیاز از عرش و از همه آن چیزهایی است که آفریده است، او به قرار داشتن و استوار بر چیزی توصیف و تعریف نمی شود، زیرا او جسم نیست و از اوصاف آفریدگان منزّه و مبرّاست .

و اما معنای قول خداوند متعال در: «لِیَلُوکُمْ اَیْکُمْ اَحْسَنَ عَمَلًا» این است که آدمیان را بیافرید تا آنان را به وسیله طاعت و عبادت و تکالیف خود بیازماید، و این آزمایش از باب امتحان و تجربه نیست، زیرا او همیشه به همه چیز داناست . تأویلی که امام (ع) درباره آفرینش آسمان و زمین در مدت شش روز بیان فرمود، بهترین توجیهی است که از این مطلب شده است، زیرا آفرینش و ایجاد تدریجی بیش از خلق و ابداع دفعی، شعور و احساس انسان را متوجه عظمت آفریننده و پدیدآورنده جهان می سازد، و به آن کشش و توسعه می دهد .

آیه دوم

«و لو شاء رَبِّکَ لَآمَنَ مِنْ فِی الْاَرْضِ کُلُّهُمْ جَمِیْعًا اَفَاَنْتَ تَکْرَهُ النَّاسَ حَتّٰی یَکُونُوا مُؤْمِنِیْنَ وَ مَا کَانَ لِنَفْسٍ اَنْ تُؤْمِنَ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ» (یونس، ۱۰/ ۱۰۰۷- ۹۹)؛ و اگر پروردگارت می خواست تمام آن ها که در روی زمین هستند همگی ایمان می آوردند، آیا تو می خواهی مردم را مجبور کنی که ایمان بیاورند؟ و هیچ کس نمی تواند ایمان بیاورد جز به فرمان خدا . امام رضا (ع) از طریق پدران بزرگوارش نقل فرموده که مسلمانان به پیامبر خدا (ص) عرض کردند: ای رسول خدا (ص) اگر آنانی که بر آن ها قدرت و توانایی داری به پذیرش اسلام مجبور کنی، تعداد ما زیاد می شود و بر دشمنان غلبه می یابیم، پیامبر خدا (ص) فرمود: من نمی خواهم خدا را دیدار کنم در حالی که چیزی پیش از خود پدید آورده باشم، که در آن

دستور نداده است، و من از متکلفان و بدعت گذاران نیستم. پس از آن، خداوند این آیه را نازل فرمود: «و لو شاء ربك...» یعنی اگر پروردگار تو می خواست، همگی مردم روی زمین ایمان می آوردند، و این بدین طریق بود که آنان را در دنیا به قبول ایمان مجبور کند، چنان که در آخرت با مشاهده عذاب ایمان می آورند و اگر چنین کنم، بندگانم استحقاق ثواب و پاداش را نخواهند داشت، لیکن می خواهم آزاد و بی هیچ اجباری ایمان بیاورند تا شایستگی قرب و کرامت مرا پیدا کنند و شایستگی زندگی جاوید را در بهشت جاویدان به دست آورند.

و قول خداوند متعال در آیه شریفه «و ما كان لنفس...» به این معنا نیست که خداوند متعال، ایمان را بر نفس آدمی منع و حرام فرموده باشد، بلکه مقصود این است که نفس جز به اذن و اجازه خدا ایمان نمی آورد و اذن خدا امر اوست به ایمان، مادامی که نفس مکلف و فرمان بردار است.

آیه سوم

قول خداوند متعال در آیه: «الذی جعل لکم الأرض فراشا و السماء بناء و أنزل من السماء ماء فأخرج به من الثمرات رزقا لکم» (بقره، ۲/۲۲)؛ آن کس که برای شما زمین را هم چون بستر و آسمان را هم چون سقفی بر بالای سر شما قرار داد و از آسمان آبی فرو فرستاد و به واسطه آن از میوه ها رزقی برای شما قرار داد.

امام (ع) فرمود: خداوند زمین را متناسب با طبیعت، خوی و بدن های شما قرار داد و آن را نه چندان داغ و سوزان نمود تا شما را بسوزاند. نه چنان سرد تا شما را منجمد گرداند، هوای آن را زیاد خوش بو نکرد تا از آن سردرد بگیرید و زیاد بد بو نساخت تا شما را اذیت کند، نه همچون آب، نرم و روان تا در آن غرق شوید و نه آن چنان سخت که نتوانید در آن خانه بنا کنید و قبور مردگان را در آن سازید، بلکه خداوند متعال آن مقدار صلابت را در آن قرار داده است که برای شما مفید و نافع باشد و بتوانید خود، ساختمان هایتان را بر آن نگه دارید و در آن خاصیتی قرار داده است تا برای خانه سازی و کندن قبور و بسیاری منافع دیگر شما مناسب باشد؛ پس به این خاطر زمین را برای شما همانند بستر گردانیده است.

سپس امام (ع) در ادامه می‌فرماید: «و السَّمَاءُ بِنَاءٍ...» یعنی بر بالای سر شما آسمان را سقفی محفوظ بنا کرد و ماه و خورشید آسمان را برای مصلحت و منفعت شما، به گردش در آورد، «و انزل من السماء ماء» و از آسمان آبی فرو فرستاد. یعنی باران را از بالا نازل ساخت تا بر قله کوه‌ها و بلندی‌ها و تپه‌ها و درون گودال‌ها فرود آید، سپس آن را به صورت باران‌های درشت قطره و پیوسته و یا باران‌های ریزدانه و نم نم، در همه جا پخش و ریزان کرد، تا زمین‌هایتان از آب سیراب و کامیاب شود و خداوند باران را به طور یک پارچه بر شما فرود نمی‌آورد تا زمین‌ها و درختان و میوه جات و محصولات شما نابود نشود.

پس از آن خداوند متعال فرموده است: «فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ» یعنی به سبب آن چه از زمین برای شما بیرون می‌آورد و روزی شما می‌گرداند، پس برای خدا شریک قرار ندهید بت‌هایی را که نمی‌فهمند و نمی‌شنوند و نمی‌بینند و توانایی بر کاری را ندارند. و خود می‌دانید که در برابر نعمت‌های بزرگی که خداوند تبارک و تعالی روزی بندگان خویش فرموده، این‌ها توان چیزی را ندارند.

امام (ع) نکات مهمی را که در این آیه بود و از لحاظ فهم نکات حکمت آمیز و سؤال برانگیز بود به گونه‌ای زیبا تفسیر کرد که در همه آن‌ها عمق بی‌پایان اعجازی که قرآن دارا است، آشکار می‌شود. ۳۴

آیه چهارم

حسن بن محبوب گوید: از امام رضا (ع) درباره قول خدای عزوجل پرسش نمودم «وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِي مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانُ وَالْأَقْرَبُونَ وَ الَّذِينَ عَقَدْتِ إِيْمَانَكُمْ فَاتُوهُمْ نَصِيْبَهُمْ» (نساء، ۳۳/۴)؛ و ما برای هر کسی از ارث برها از قبیل پدر و مادر و خویشان حقی قرار دادیم و با هر که عهد و پیمان حقوقی بسته‌اید، بهره آنان را بدهید.

حضرت (ع) فرمود: مقصود ائمه (ع) باشند که خدای عزوجل پیمان شما را با ایشان بسته است. ۳۵.

ظاهراً آیه شریفه و تفسیر آن، راجع به ارث بردن اولاد از پدر و مادر و خویشان و بستگان از یکدیگر است که در این سوره به تفصیل بیان شده است و از جمله روابطی که موجب ارث می‌شود، عقد ایمان است که در آیه شریفه ذکر شد و آن به معنی رابطه همسری

و یا امامت است که فقها در کتاب ارث به تفصیل بحث کرده اند و ارث بردن امام به صورتی است که میت هیچ گونه وارثی نداشته باشد. و اما تأویل و باطن آیه شریفه که حضرت بیان می فرمایند، تطبیق نمودن عقد ایمان است با حق معنوی امامت؛ یعنی نظر به این که بین امام و مأموم رابطه ولایت و دست بیعت و پیمان فرمان برداری هست، خدای تعالی می فرماید: این حق امام را ادا کنید، یعنی از او اطاعت و پیروی کنید.

آیه پنجم

ابراهیم بن محمد همدانی گفته است به امام رضا^(ع) عرض کردم: به چه سبب خداوند فرعون را که به او ایمان آورده و به یگانگی او اعتراف کرده بود، غرق کرد؟ امام^(ع) فرمود: به سبب این که فرعون زمانی که عذاب الهی را مشاهده کرد ایمان آورد، و ایمان زمانی که عذاب خدا فرا می رسد، پذیرفته نیست، و این حکم خداست که در گذشته و حال جاری است، چنان که در قرآن فرموده است: «فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحَدَّةَ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ، فَلَمْ يَنْفَعِهِمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا» (غافر، ۴۰/۸۵-۸۴)؛ آن گاه که عذاب ما را دیدند گفتند: ما به خداوند یکتا ایمان آوردیم، و به آن چه شریک خدا قرار گرفتیم کافر شدیم، اما ایمان آن ها بعد از عذاب ما به آن ها سودی نبخشید. و هم چنین فرموده است: «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلِ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا» (انعام، ۶/۱۸۵)؛ روزی که برخی از نشانه های عذاب پروردگارت فرا رسد در آن روز هیچ کس را ایمان سود نبخشد اگر پیش از این ایمان نیاورده و در ایمان خود کسب خیر و سعادت نکرده باشد.

فرعون این چنین بود هنگامی که خود را دستخوش غرق و نابودی دید گفت: «آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (یونس، ۱۰/۹۰)؛ این که من ایمان آورده ام که هیچ خدایی جز آن که بنی اسرائیل بدو ایمان آوردند وجود ندارد و من هم تسلیم فرمان او هستم.

از این رو به او گفته شد: «الآن و قد عصيت قبل و كنت من المفسدين فاليوم ننجيك بيدنك لتكون لمن خلفك اية» (یونس، ۱۰/۹۱)؛ (به او خطاب شد) حالا؟! دیر است تو پیش از این نافرمانی کردی و از تبه کاران بودی امروز پیکر بی جان تو را می رهانیم تا برای

آیندگان موجب عبرتی باشد.

این حدیث برای کسی که بخواهد پند و عبرت گیرد موعظه است؛ زیرا ایمان به خدا و بازگشت به سوی او، در هنگامی که درهای نجات بر روی انسان بسته شده و نومی‌دی بر دل او سایه افکننده ایمان نیست، بلکه ایمان اعتقاد به خدا و تسلیم در برابر اراده او در هر دو حالت امید و نومی‌دی است.

آیه ششم

از امام (ع) در مورد این آیه سؤال شد «لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا» (نساء، ۴/۱۴۱)؛ و هیچ گاه برای کافران نسبت به مؤمنان راه تسلط باز نخواهد بود. امام (ع) فرمود: یعنی کافر نمی‌تواند مؤمن را در دلیل ایمان مغلوب کند و او را دلیلی نباشد که به سبب آن ظفر یابد و به تحقیق که حق تعالی خبر داده است از کفاری که پیامبران را به ناحق کشتند و با این که آن‌ها را کشتند خدا برای کافران به زیان پیامبران دلیل و حجتی قرار نداده است. ۳۶

آیه هفتم

«ثم لتسئلن يومئذ عن النعيم» (تکواثر، ۸/۱۰۲)؛ در این روز از نعیم پرسش خواهید شد. به امام (ع) عرض شد معنای نعیم چیست؟ آیا «نعیم»^{۳۷} به معنای آب سرد است یا طعام پاکیزه و یا خواب نیکو و پاکیزه؟

امام (ع) فرمود: خداوند از آن چه به بندگانش تفضل فرموده است، سؤال نمی‌کند و بر آنان منت نمی‌گذارد. اگر مردم بر هم منت گذارند، کاری ناپسند است. پس چگونه به خالق نسبت می‌دهید آن چیزی را که به مخلوق پسندیده نیست. ولیکن نعیم یعنی حبّ ما اهل بیت. از آن جهت که چون بنده به دوستی ما وفا کند به نعیم بهشت می‌رود و پدر بزرگواری از اجداد طاهری‌نم و از رسول خدا (ص) روایت کرده‌اند که پیامبر (ص) فرمود: یا علی همانا اول چیزی که از بنده سؤال می‌شود شهادت «لا اله الا الله و محمد رسول الله» است. سپس شهادت به ولایت توست. پس کسی که به آن اقرار کند و معتقد باشد به آن او را نعیمی دهند که از برای آن زوالی نباشد. ۳۸

آیه هشتم

احمد بن عمر گوید: از حضرت رضا(ع) راجع این به آیه سوال شد: «ثم اورثنا الكتاب الذین اصطفینا من عبادنا فمنهم ظالم لنفسه و منهم مقتصد و منهم سابق بالخیرات باذن الله ذلک هو الفضل الکبیر» (فاطر، ۳۵/۳۲)؛ پس ما آنان را که از بندگان خود برگزیدیم وارث علم قرآن گردانیدیم. باز هم بعضی آن‌ها به نفس خود ظلم کردند و بعضی راه عدل پیمودند و برخی به هر عمل خیر با جان و دل، به دستور حق سبقت گرفتند این رتبه است و در حقیقت همان فضل بزرگ الهی است.

فرمود: وارث علم قرآن اولاد فاطمه(س) هستند. شتابنده به سوی نیکی‌ها امام است و معتدل امام شناس است و ستمگر به خویش کسی است که امام را نشناسد. ۳۹

۱. فضائل الخمسه من الصحاح الستة، ۲/ ۱۲۲ .
 ۲. مسند الامام الرضا(ع)، ۱/ ۳۰۷ .
 ۳. مسند الامام الرضا(ع)، ۱/ ۳۰۹ .
 ۴. همانجا . ۴
 ۵. مسند الامام الرضا(ع)، ۱/ ۳۰۹ .
 ۶. همان/ ۳۱۰ .
 ۷. عیون اخبار الرضا(ع)، ۱/ ۲۹۰ .
 ۸. مسند الامام الرضا(ع)، ۱/ ۳۴۴ .
 ۹. همان/ ۳۸۳ .

هزینه اشتراک نشریه			
درخواست	قیمت	پست سفارشی	جمع
تک شماره	۱۰,۰۰۰	۵,۰۰۰	۱۵,۰۰۰
دوره یکساله	۴۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰	۶۰,۰۰۰
سالنامه هر سال	۵۰,۰۰۰	رایگان	۵۰,۰۰۰

قیمت‌ها به ریال می‌باشد.

ویژه پژوهش‌های قرآنی

وجه اشتراک را به حساب شماره ۰۱۰۱۱۱۰۳۱۸۰۰۱ بانک صادرات (جاری سپهر) به نام مؤسسه معارف اسلامی امام رضا(ع) واریز و اصل فیش بانکی را همراه فرم تکمیل شده به نشانی مؤسسه ارسال نمایید.
 نشانی: قم، بلوار شهید محمد منتظری، کوچه ۸، پلاک ۱۲ - صندوق پستی ۱۶۷ - ۳۷۱۸۵

۱۰. عیون اخبارالرضا، ۱/ ۱۳۷- ۱۳۶.
۱۱. عیون اخبارالرضا، ۱/ ۱۳۸- ۱۳۷.
۱۲. عیون اخبارالرضا، ۱/ ۱۴۳.
۱۳. اصل معنی غفران عبارتند از: ستر، پوشش. ولی ترکیب «اغفرلی» معنایش این است که برای من ببوشان. به نظر می‌آید «اغفرلی» بوده یعنی مرا ببوشان.
۱۴. عیون اخبارالرضا، ۱/ ۱۴۰- ۱۳۹.
۱۵. عیون اخبارالرضا، ۱/ ۳۰۵.
۱۶. مسند الامام الرضا، ۱/ ۳۲۹.
۱۷. معانی الاخبار/ ۳۷۳.
۱۸. مسند الامام الرضا، ۱/ ۳۳۴.
۱۹. مسند الامام الرضا، ۱/ ۳۱۵.
۲۰. مسند الامام الرضا، ۱/ ۳۴۷.
۲۱. تفسیر عیاشی، ۱/ ۱۶۶.
۲۲. تفسیر عیاشی، ۱/ ۴۵.
۲۳. تفسیر عیاشی، ۲/ ۴۲.
۲۴. تفسیر المیزان، ۸/ ۳۷۲.
۲۵. اصول کافی، ۱/ ۲۰۸.
۲۶. مسند الامام الرضا، ۱/ ۳۴۸.
۲۷. الاتقان فی علوم القرآن، ۲/ ۴۳۴.
۲۸. تفسیر المیزان، ۱/ ۱۵.
۲۹. التوحید/ ۵۹.
۳۰. مسند الامام الرضا، ۱/ ۳۳۴.
۳۱. تفسیر عیاشی، ۱/ ۱۱۷.
۳۲. لسان العرب، ذیل کلمه «تفسیر».
۳۳. مقدمه تفسیر التبیان.
۳۴. عیون اخبارالرضا، ۱/ ۸۹- ۹۰.
۳۵. اصول کافی، ۱/ ۳۱۴.
۳۶. عیون اخبارالرضا، ۲/ ۴۵۳.
۳۷. نعیم: جمع نعمت است و لفظی عام است که شامل هر نعمتی می‌شود چه نعمت‌های مادی و چه نعمت‌های معنوی.
۳۸. عیون اخبارالرضا، ۲/ ۳۷.
۳۹. اصول کافی، ۱/ ۳۱۲.



<input type="checkbox"/> اشتراک جدید	<input type="checkbox"/> تمدید اشتراک	شماره اشتراک <input style="width: 40px; height: 15px;" type="text"/>	
<input type="checkbox"/> تک شماره	<input type="checkbox"/> اشتراک یک ساله	سالنامه <input type="checkbox"/> از شماره تعداد	
مبلغ ریال طی حواله شماره مورخ / واریز نمودم.			
نام:		نام خانوادگی:	
نشانی:		تلفن:	
صندوق پستی کدپستی <input style="width: 40px; height: 15px;" type="text"/> - <input style="width: 40px; height: 15px;" type="text"/>			